

# بررسی و تبیین محیط‌زیست‌گرایی در ایران و مقایسه آن با وضعیت جهانی

حامد شیری<sup>۱</sup>، سروه آخرتی<sup>۲</sup>

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۶۳۳۸-۵۴۸۹-۰۰۰۰-۰۰۰۲

شناسه پژوهشگر (ارکید): ۹۳۰۵-۴۰۱۲-۰۰۰۹-۰۰۰۵

## چکیده

بررسی و سنجش نگرش‌های محیط‌زیستی با توجه به مسائل و مخاطرات موجود به یکی از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی روز تبدیل شده است. در این چهارچوب مقاله حاضر تلاش کرده است محیط‌زیست‌گرایی ایرانیان و عوامل مؤثر بر آن را در مقایسه با وضعیت جهانی مورد سنجش قرار دهد. تبیین محیط‌زیست‌گرایی با ارجاع به رویکردهای نظری در قالب فرضیات چندگانه اثر رفاه اقتصادی یا فقر معیشتی، اثر سرمایه اجتماعی، اثر جنسیت و اثر دین‌داری آزمون شده است.

از نظر روش‌شناختی پژوهش حاضر به شیوه اسنادی و تحلیل ثانویه داده‌های آخرین موج پیمایش ارزش‌های جهانی (موج ۷) انجام شده است. موج هفتم این پیمایش در فاصله سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۷ و در ۵۹ کشور جهان (از جمله ایران با نمونه ۱۴۹۹ نفری) به اجرا درآمد. یافته‌ها نشان می‌دهد ایران در خوشه‌بندی محیط‌زیست‌گرایی در خوشه ۱ با نمره بالا و در رتبه ۱۱ در بین ۵۹ کشور جهان قرار دارد. یافته‌های تبیینی حاکی از آن است که محیط‌زیست‌گرایی -هم در ایران و هم در مقیاس جهانی- با تحصیلات، رفاه اقتصادی، مشارکت اجتماعی و ارزش‌های فرامادی رابطه مستقیم و با متغیرهای سن، فقر و دین‌باوری رابطه معکوس دارد. از دیگر یافته‌های مهم پژوهش، گرایش‌های محیط‌زیستی متفاوت ادیان جهانی است؛ در حالی که یهودیان اهمیت یکسانی برای رشد اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست قائل‌اند، مسیحیان بیشتر حامی محیط‌زیست و مسلمان بیشتر مدافع رشد اقتصادی هستند.

**واژگان کلیدی:** محیط‌زیست‌گرایی، نگرش محیط‌زیستی، پیمایش ارزش‌های جهانی، ایران.

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) / h.shiri@pnu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد آموزش محیط‌زیست و دبیر آموزش و پرورش مروان / serwa.okhrati@yahoo.com

مقاله علمی پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۷/۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۷/۱۲/۱۴

دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال سیزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۱۹۴-۱۷۳

## ۱. مقدمه

ما اکنون در نظمی جهانی زندگی می‌کنیم که امنیت و سلامت ما را با مخاطره روبه‌رو کرده است؛ از جمله مخاطره‌های محیط‌زیستی که نسل‌های پیشین هرگز آن را تجربه نکرده‌اند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۸۹۷). گرم شدن کره زمین امروز بزرگ‌ترین تهدید بقای تمدن بشر به شمار می‌رود (والگر، ۱۳۸۱: ۱۷۷). جنگل‌های گرمسیری دچار حریق شده و مواد شیمیایی سمی عمیقاً وارد زنجیره غذایی شده‌اند (کاستلز، ۱۳۸۵: ۱۴۸). آلودگی هوا ۲/۷ میلیون نفر را در سال به کام مرگ کشانده و سالانه دو میلیارد نفر به دلیل آلودگی آب دچار بیماری می‌شوند. اکنون بیش از یک سوم کل جنگل‌های اولیه کره زمین از بین رفته و در مقابل بیابان‌زایی به سرعت در حال گسترش است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۸۹۴-۸۸۷).

اولریش بک مسائل محیطی زیستی را یکی از نتایج و پیامدهای مدرنیته می‌داند که به «جامعه مخاطره‌آمیز» جهانی دامن زده است (بک، ۱۳۸۸). به اعتقاد او شتاب گرفتن توسعه صنعتی و تکنولوژیکی به گسترش مداوم مداخله انسان در طبیعت و مخاطره‌های محیط‌زیستی منجر شده است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۱۰۱). به باور او یکی از وجوه مهم «جامعه مخاطره‌آمیز»<sup>۱</sup> فقدان محدودیت مکانی - زمانی است و مخاطره‌های محیط‌زیستی بدون ارتباط با ملیت و ثروت و خاستگاه اجتماعی با دامنه و ابعاد جهانی تهدیدی بالقوه برای همه جوامع بشری قلمداد می‌شوند (بک، ۱۳۸۸).

در ایران نیز به‌ویژه در سه دهه اخیر و در پی اجرای برنامه‌های توسعه، بحران‌های گوناگون محیط‌زیستی در اشکال مختلف و به نحو بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. شاخص عملکرد محیط‌زیستی (EPI)<sup>۲</sup> - که معیاری برای سنجش عملکرد محیط‌زیست دولت‌هاست - نشان می‌دهد اقدامات انجام شده در دو دهه اخیر قابل دفاع نیست. ایران در سال ۲۰۰۶ رتبه ۵۳ (با امتیاز ۷۰) را در شاخص عملکرد محیط‌زیستی داشته است، این رتبه در سال ۲۰۲۰ به ۶۷ (با امتیاز ۴۸) تنزل یافته است (استی<sup>۳</sup> و دیگران، ۲۰۰۶: ۳ و ون‌دینگ<sup>۴</sup> و دیگران، ۲۰۲۰: ۱۸). وضعیت بحرانی و خطرناک سفره‌های آب زیرزمینی (جنت رستمی و دیگران، ۱۳۹۱)، نابودی تالاب‌ها و بیابان‌زایی (کاویانی‌راد، ۱۳۸۹)، کاهش پوشش جنگلی (احمدی و حقیقتیان، ۱۳۹۵)، فرسایش خاک (سلیمان‌پور عمران و دیگران، ۱۳۹۸) و تخریب گونه‌های زیستی و جانوری و آلودگی هوا (بلیک<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۶) از مهم‌ترین آسیب‌های محیط‌زیستی ایران است که به کرات در مطالعات علمی مورد اشاره قرار گرفته است. پدیده ریزگردها، خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها و تنش آبی در مناطق شهری و روستایی، از آخرین نمودهای مسائل محیط‌زیستی در جغرافیای سرزمینی ایران است.

1. Risk Society
2. Environmental Performance Index (EPI)
3. Esty
4. Wendling
5. Blake

وضعیت بحرانی محیط‌زیست در ایران محرک طیف وسیعی از مطالعات و پژوهش‌های نظری و تجربی شده است. با توجه به منشأ دوگانه مسائل محیط‌زیستی (عملکرد دولت‌ها و رفتار شهروندان)، پژوهش‌ها و مطالعات محیط‌زیستی نیز ناظر بر این دو سطح است. بررسی عملکرد سالیانه دولت‌ها در قالب شاخص‌هایی چون ESI و EPI انجام می‌شود؛<sup>۲</sup> اما در سطح دوم این مطالعات بر سنجش ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای محیط‌زیستی شهروندان متمرکز شده‌اند (از جمله دانلپ و وان‌لیر،<sup>۳</sup> ۱۹۷۸ و اینگلهارت،<sup>۴</sup> ۱۹۹۵). در حالی که در رویکرد نخست مسئولیت بحران‌ها و مخاطرات محیط‌زیستی متوجه عملکرد دولت‌ها و ساختارهای نهادی است، در سطح دوم بر نقش و مسئولیت متعهدانه شهروندان تأکید می‌شود. در این چهارچوب است که سنجش رفتارها و ارزش‌ها و نگرش‌های محیطی زیستی شهروندان و تحلیل و تبیین آن‌ها اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند. «پیمایش ارزش‌های جهانی»<sup>۵</sup> (WVS) از جمله مطالعاتی است که در دوره‌های متناوب نگرش‌ها و ارزش‌های مختلف همانند نگرش‌های محیط‌زیستی را در مقیاس ملی - بین‌المللی اندازه‌گیری می‌کند.

مطالعه حاضر در این راستا با استناد به داده‌های WVS که در سال ۲۰۲۰ در ایران به اجرا درآمده است، محیط‌زیست‌گرایی ایرانیان را مورد سنجش و تحلیل قرار می‌دهد. داده‌های کلان-ملی پژوهش حاضر در مقایسه با مطالعات پیشین که غالباً در مقیاس خرد (محلی، شهری و استانی) است، می‌تواند تصویری دقیق‌تر از محیط‌زیست‌گرایی ایرانیان با امکان بررسی تطبیقی جایگاه ایران در مقایسه با وضعیت جهانی ارائه دهد. نتایج این پژوهش در کنار داده‌های EPI ضمن کمک به افزایش شناخت ما از علل و عوامل مخاطرات محیط‌زیستی ایران، راهنمایی برای اقدامات حمایتی و حفاظتی آتی خواهد شد.

## ۲. پیشینه تجربی

مطالعات تجربی در حوزه مسائل محیط‌زیست، مجموعه گسترده و متکثری از پژوهش‌ها را شامل می‌شود. بخشی از مطالعات این حوزه، عملکرد محیط‌زیستی که ناظر بر سطح نخست و اقدام دولت‌ها در سطح کلان است را مورد توجه قرار داده‌اند. عملکرد محیط‌زیستی تا امروز مبنایی برای ارزیابی عملکرد کشورهای جهان بوده و هر دو سال یک‌بار منتشر می‌شود (وندینگ و دیگران، ۲۰۲۰). مطالعه شیری و اختری (۱۳۹۷ و ۱۳۹۸) و سبحانی نجف‌آبادی (۱۳۹۰) از جمله پژوهش‌هایی است که در ایران با استناد به داده‌های عملکرد محیط‌زیستی انجام شده است.

### 1. Environmental Sustainability Index

۲. صاحب‌نظران دانشگاه بیل و مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۰۰ به منظور سنجش وضعیت محیط‌زیست «شاخص پایداری محیط زیستی» (ESI) را طراحی کردند. این شاخص به دلیل نواقصی که داشت در سال ۲۰۰۶ با «شاخص عملکرد محیط زیستی» (EPI) مورد بازنگری قرار گرفت (وندینگ و دیگران، ۲۰۲۰).

### 3. Dunlap & Van Liere

### 4. Inglehart

### 5. World Values Survey

### 6. Wendling

اغلب مطالعات محیط‌زیستی با هدف بررسی ارزش‌ها و نگرش‌های محیط‌زیستی و یا رفتارهای محیط‌زیستی انجام شده است. این تحقیقات اساساً رویکردی خریدینانه و معطوف به توصیف مسئولیت و عملکرد شهروندان در قبال محیط‌زیست دارند. یکی از شاخص‌ترین مطالعات این حوزه، پیمایش جهانی ارزش‌ها (WVS) است که توسط اینگلهارت در هفت موج و در ذیل نظریه ارزش‌های فرامادی اجرا شده است (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

در سطح داخلی نیز بیشتر پژوهش‌ها در مقیاس محدود محلی و با جامعه آماری مختلف به اجرا درآمده است. برای مثال بنی‌فاطمه و همکاران (۱۳۹۲) بر اساس پارادایم نوین محیط‌زیستی، نگرش شهروندان شهر تبریز را سنجیده‌اند. صالحی و کریم‌زاده (۱۳۹۳) در مطالعه خود با استناد به مقیاس ارزش‌های محیط‌زیستی کایزر و مقیاس پارادایم نوین محیط‌زیستی دانلپ و وان‌لیر رابطه مثبت بین ارزش‌ها و نگرش‌های محیط‌زیستی را تأیید کرده‌اند. واکاوی جامعه‌شناختی احساسات شهروندان تهرانی به محیط‌زیست، موضوعی است که در پژوهش کلانتری و همکاران (۱۳۹۴) دیده می‌شود.

بخش دیگری از پژوهش‌ها تبیین چگونگی نگرش‌ها و رفتارهای محیط‌زیستی را مدنظر داشته‌اند. اینگلهارت در مقاله «حمایت عمومی از حفاظت از محیط‌زیست» (۱۹۹۵) ضمن تأکید بر نقش مسائل عینی (رفاه مادی و امنیت)، نگرش‌های محیط‌زیستی را به عوامل ذهنی و ارزش‌های فرامادی پیوند می‌زند. دانلپ و یورک (۲۰۰۸) در بررسی خود با نقد یافته‌های اینگلهارت به این نتیجه رسیدند که نگرانی محیط‌زیستی نه به وفور منابع وابسته است و نه به ارزش‌های فرامادی مبتنی بر رفاه. از نظر آن‌ها هم رشد جنبش‌ها و فعالان حرفه‌ای و هم حمایت عامه از محیط‌زیست پدیده‌ای جهانی است که محدود به کشورهای مرفه جهان نیست.

وان‌لیر و دانلپ در تبیین «نگرش زیست‌محیطی» نقش متغیرهایی چون سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، محل سکونت و عوامل سیاسی را مورد تأکید قرار می‌دهند (وان‌لیر و دانلپ، ۱۹۸۰). ملکی و عبدالهی (۱۳۹۲) در سطح ملی به بررسی وضعیت ارزش‌های محیط‌زیستی ایرانیان پرداخته‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد مشارکت، گرایش و نگرانی محیط‌زیستی در بین ایرانیان در مقایسه با سایر کشورها وضعیت خوبی دارد و الگوی اجتماعی غالب در ایران حامی باورهای محیط‌زیستی است.

بررسی اثر توسعه و رشد اقتصادی (آنتل و هیدبرینک، ۱۹۹۵)<sup>۱</sup>، دین (بنتال، ۲۰۰۳)<sup>۲</sup>؛ نصر، ۱۳۸۵؛ طالبان و معمارزاده، ۱۳۹۸ و نواح و دیگران، ۱۳۹۰)، جنسیت (ملکی و علی‌پور، ۱۳۹۳؛ صالحی و لطفی، ۱۳۹۳)، فقر (فورسیچ<sup>۳</sup> و دیگران، ۱۹۹۸ و چمبرز، ۱۹۸۷)<sup>۴</sup>، سرمایه اجتماعی (گرافتون و نولز، ۲۰۰۴)<sup>۵</sup>؛

1. Antle & Heidebrink
2. Benthall
3. Forsyth
4. Chambers
5. Grafton & Knowles

پرتی و وارد،<sup>۱</sup> ۲۰۰۱ و صالحی و امام‌قلی، الف (۱۳۹۱)، سرمایه فرهنگی (صالحی و امام‌قلی، ب (۱۳۹۱) و حکمرانی خوب و دموکراسی (فری و الرومی،<sup>۲</sup> ۱۹۹۹؛ برلیانز و فرناندز،<sup>۳</sup> ۲۰۱۱) بر نگرش‌ها و رفتارهای محیط‌زیستی از دیگر پژوهش‌هایی است که با رویکرد تبیینی انجام شده است. مقاله حاضر در تداوم و تکمیل مطالعاتی است که با رویکرد نخست اجرا شده‌اند، اما وجه ممیزه و نوآورانه آن در این است که برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً گرایش‌ها و نگرش‌های محیط‌زیستی را در مقیاس محلی و منطقه‌ای بررسی کرده‌اند، این قبیل نگرش‌ها را در مقیاس کلان و ملی مورد سنجش قرار می‌دهد. همچنین این مطالعه ضمن توصیف و تبیین محیط‌زیست‌گرایی در ایران، با استناد به جدیدترین داده‌های موجود به مقایسه وضعیت محیط‌زیست‌گرایی در ایران با وضعیت جهانی می‌پردازد؛ موضوعی که در پژوهش‌های پیشین مورد توجه قرار نگرفته است.

### ۳. چهارچوب نظری

در حوزه مطالعات محیط‌زیستی بررسی و تحلیل نگرش افراد در سطح خرد جایگاه ویژه‌ای دارد (دانلپ و وانلیر، ۱۹۷۸). نگرش محیط‌زیستی یا آنچه در اصطلاح «محیط‌زیست‌گرایی» نامیده می‌شود، بیشتر از این منظر که عاملی مؤثر بر رفتار و کنش محیط‌زیستی افراد است اهمیت دارد. این نگرش نوعی جهت‌گیری ذهنی-شناختی است که تمایل روان‌شناختی کنشگران فردی را در طرفداری یا ضدیت با محیط‌زیست ارزیابی می‌کند (میلفانت و داکیت،<sup>۴</sup> ۲۰۱۰: ۸۰).

نگرش محیط‌زیستی از سه رویکرد متفاوت یعنی نگرش محیط‌زیستی خودمحور، دیگرمحور و زیست‌محور قابل تحلیل است. در نگرش خودمحور تأثیر تخریب محیط‌زیست بر فرد، در نگرش دیگرمحور منافع اجتماعی و کلی همه انسان‌ها و در نگرش زیست‌محور ارزش ذاتی محیط‌زیست برای همه جانداران اهمیت می‌یابد (صالحی و کریم‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۵۹).

مطالعات اخیر از جمله «پارادایم نوین محیط‌زیستی» (NEP)<sup>۵</sup> دانلپ و وان‌لیر (۱۹۷۸) نگرش «زیست‌محور» را مبنا قرار داده‌اند. این رویکرد برخلاف رویکرد سنتی متأثر از گرایش‌های اومانستی مدافع ارزش‌های عام اکولوژیکی است که در آن انسان بخشی از طبیعت و صرفاً یکی از ذینفعان و نه اصلی‌ترین آن قلمداد می‌شود (دانلپ و دیگران، ۲۰۰۲). در آخرین موج پیمایش ارزش‌های جهانی نیز محیط‌زیست‌گرایی از رویکرد زیست‌محور و با ترجیح اولویت‌های محیط‌زیستی در قیاس با الزامات رشد اقتصادی در نظر گرفته شده است (WVS، ۲۰۲۰: ۹).

1. Pretty & Ward
2. Frey & Al-Rumi
3. Brilliants & Fernandez
4. Milfont & Duckitt
5. New Environmental Paradigm

عمومی ترین تبیین نظری محیط‌زیست‌گرایی، رویکردی است که کیفیت و عملکرد محیط‌زیستی را در رابطه با رشد اقتصادی جوامع (در سطح کلان) و برخورداری از رفاه مادی و درآمدی (در سطح خرد) تحلیل می‌کند. نظریه «ضد رشد» عامل اصلی تخریب محیط‌زیست را لزوماً رشد اقتصادی می‌داند (جورجسکو، ۱۹۷۱). رشد اقتصادی هم به دلیل جریان کمیابی منابع و هم در نتیجه تولید ضایعات بیش از توان محیط به تخریب محیط‌زیست منجر شده و رفاه را کاهش می‌دهد (دالی، ۱۹۹۱). در مقابل، نظریه «رشد اقتصادی» تنها راه‌حل حفاظت از محیط‌زیست را توسعه اقتصادی می‌داند که می‌تواند سرمایه و بسترهای لازم برای دستیابی به اهداف محیط‌زیستی را فراهم کند (آنتل و هیدبرینک، ۱۹۹۵). برآیند این دو، منحنی U شکل کورنتس است که بر اساس آن در مراحل اولیه، رشد اقتصادی به تخریب محیط‌زیست منجر می‌شود؛ اما بعد از عبور درآمد سرانه از یک سطح معین کیفیت محیط‌زیست بهبود می‌یابد (سلدن و سونگ، ۱۹۹۴). اینگلهارت از نظریه پردازان نوسازی ضمن تأیید تلویحی مفروضات رویکرد سوم محیط‌زیست‌گرایی را بازتاب ارزش‌های فرامادی می‌داند که در نتیجه ثروت و امنیت فزاینده در کشورهای پیشرفته ظهور کرده است. به عقیده او با رشد فزاینده صنعتی شدن و توسعه اقتصادی، خواست مردم از ارزش‌های مادی چون رفاه و امنیت اقتصادی و شغلی به ارزش‌های فرامادی مانند احترام و التزام به آزادی‌های سیاسی - اجتماعی، عدالت، صلح، کیفیت زندگی و محیط‌زیست چرخش یافته است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۶۱). بر این اساس ظهور ارزش‌های فرامادی (از جمله علائق محیط‌زیستی) رابطه نزدیکی با رونق اقتصادی دارد و هر جامعه‌ای که دارای رشد اقتصادی کافی باشد، این دگرگونی ارزشی در آن رخ خواهد داد (اینگلهارت و آبرامسون، ۱۳۷۸: ۹۹). در حالی که کیفیت محیط‌زیستی در کشورهای توسعه‌یافته از استاندارد بالاتری برخوردار است (راسخی و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۵)، اما چالش‌های محیط‌زیستی از جمله تخریب خاک، نابودی جنگل‌ها، کمبود آب، آزاد شدن سرب و آلودگی هوا بیشتر جهان رو به توسعه را در نور دیده است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۸۸۶). این موضوع همچنین به مسئله «فقر» و رابطه آن با محیط‌زیست مرتبط است؛ به طوری که نظریه ماریچ نزولی آن را یگانه دلیل تغییر (تخریب) محیط‌زیست معرفی می‌کند (هورسیچ و دیگران، ۱۹۹۸). چمبرز (۱۹۸۷) با تأیید پیوستگی فقر و محیط‌زیست، بهبود سطح معیشت را سبب بهبود شاخص‌های محیط‌زیستی می‌داند و گیدنز (۱۳۸۹: ۸۸۶) رابطه بین فقر و محیط‌زیست را با این استدلال که کمبود و محدودیت منابع در اختیار مردم زمینه بهره‌برداری حداکثری از منابع در دسترس را سبب می‌شود مورد تأکید قرار می‌دهد.

در تبیین محیط‌زیست‌گرایی، نقش سرمایه اجتماعی نیز مهم است. تحلیل‌های نظری و مطالعات تجربی همگرایی و همسویی فزاینده‌ای بین سطوح بالای سرمایه اجتماعی و محیط‌زیست‌گرایی به مثابه ارزش‌های جمع‌گرایانه و مدنی نشان می‌دهند (گرافتون و نولز، ۲۰۰۴؛ پرتی و وارد، ۲۰۰۱؛ صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱).

1. Georgescu
2. Daly
3. Antle & Heidebrink
4. Selden & Song

سرمایه اجتماعی با تقویت روابط اجتماعی، ایجاد اعتماد متقابل و تسهیل زمینه‌های مشارکت جمعی و تقلیل تمایلات منفعت‌گرایانه فردی، می‌تواند مولد هنجارها و رفتارهای مسئولانه نسبت به محیط‌زیست شود. اهمیت سرمایه اجتماعی آنجاست که این عامل نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی و به‌ویژه جنبش‌های محیط‌زیستی دارد. پاتنام (۱۹۹۶) ضمن تأیید این رابطه، توسعه سازمان‌های محیط‌زیستی را پویاترین شکل جنبش‌های اجتماعی می‌داند که تغییراتی اساسی در طرفداری از محیط‌زیست ایجاد کرده است. مشارکت شهروندان در قالب نهادهای مدنی یا به شکل مستقیم‌تر در قالب جنبش‌های اجتماعی می‌تواند اصلاحات نهادی مرتبط با ارتقای کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار دهد (برلیانز و فرناندز، ۲۰۱۱).

تفاوت‌های نگرشی زنان و مردان و به عبارتی تبیین جنسیتی محیط‌زیست‌گرایی، مسئله اساسی نظریه اکوفمینیسم است. اکوفمینیسم با تأکید بر جنسیت‌گرایی، مسائل محیط‌زیستی و مسائل سیاسی-اجتماعی را در پیوند با هم و هر دو را نتیجه و بازتاب تسلط مردان می‌داند. به باور آن‌ها سلطه بر طبیعت، اختلال در نظم اکوسیستم و رفتارهای غیرمسئولانه نتیجه نظام سلطه مردسالار است (صالحی و لطفی، ۱۳۹۳: ۱۲۱-۱۱۹). در این چشم‌انداز ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای محیط‌زیستی زنان و مردان تفاوت زیادی باهم دارد؛ زنان رابطه‌ای بوم‌شناختی و پیوندی حیاتی، ضروری و احساسی با طبیعت دارند (ساتن، ۱۳۹۲: ۹۶) و برخلاف مردان نسبت به مشکلات محیط‌زیست پاسخگوتر و حساس‌تر هستند (ملوور، ۲۰۰۶: ۱۱).

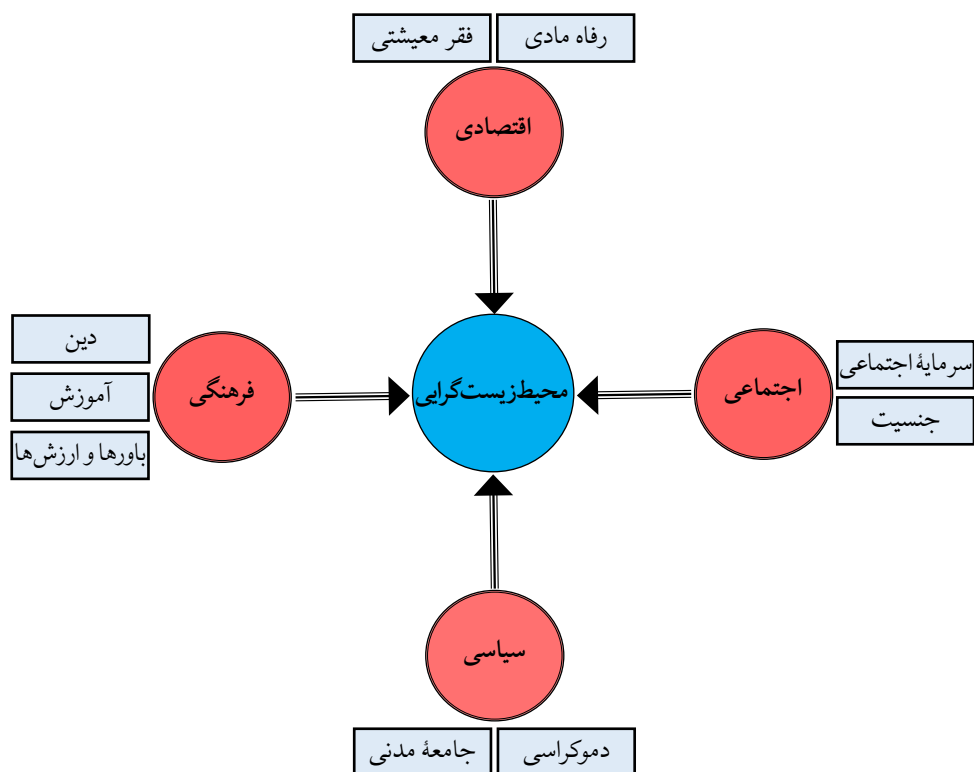
چگونگی مواجهه محیط‌زیستی افراد همچنین از منظر نظریه فرهنگی مورد کنکاش است. تنوری فرهنگی استدلال می‌کند که نظام‌های فراگیر اعتقادی، نگرش انسان‌ها را نسبت به طبیعت و محیط‌زیست سازماندهی می‌کنند (لیما و کاسترو، ۲۰۰۵). در اندیشه اینگلهارت، محیط‌زیست‌گرایی بازتابی از ارزش‌های فرامادی است که با ارزش‌های کیفیت زندگی و خودابرازی ارتباط دارد (اینگلهارت، ۱۳۷۳). دیگران ارزش‌های محیط‌زیستی را به گرایش‌های نوع‌دوستانه پیوند می‌زنند و آن را مشوق احساسات محیط‌زیستی همدلانه و مشارکت‌جویانه می‌دانند. این در حالی است که رویکرد منفعت‌جویانه بیشتر با ارزش‌های تکنومحور همسویی نشان می‌دهد (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۰۵).

در تبیین فرهنگی محیط‌زیست‌گرایی به نقش دین یا ارزش‌های دینی توجه شده است. اهمیت دین متأثر از نگاه قدسی به طبیعت و اخلاق فرامادی دین است (نصر، ۱۳۸۵). باوجود این، دیدگاه‌ها در تحلیل این رابطه همسان نیست: درحالی‌که کسانی چون وایت<sup>۳</sup> (۱۹۶۷) ایدئولوژی مسیحیت را به دلیل تمایلات اومانستی و فرض مافوق طبیعت بودن انسان و جواز انحصاری او برای بهره‌برداری از طبیعت ضد طبیعت‌گرا می‌داند، دیگران بر آموزه‌های محیط‌زیست‌گرایانه و تقدس آن در اسلام تأکید دارند (بتال، ۲۰۰۳؛ جوادی‌آملی، ۱۳۹۰ و محقق‌داماد، ۱۳۹۳). رویکرد فرهنگی همچنین معطوف به نظریه سرمایه فرهنگی است که در تحلیل گرایش‌های محیط‌زیستی مورد تأکید است (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱: ۹۳).

1. Mellor
2. Lima & Castro
3. White

از نظر بوردیو (۱۳۸۴) انباشت این سرمایه در افراد از طریق منابعی چون پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی به تمایز منجر می‌شود. بر این مبنا می‌توان متصور شد که برخورداری از سرمایه فرهنگی بر سوگیری‌های محیط‌زیستی تأثیر دارد. آموزش رسمی و تحصیلات به‌عنوان یکی از ابعاد سرمایه فرهنگی از متغیرهای کلیدی تأثیرگذار بر گرایش محیط‌زیستی افراد است (فیش‌بین و آیزن، ۱۹۷۵). نهایتاً در قلمرو تبیین‌های سیاسی، کیفیت و سلامت محیط‌زیست تابعی از شاخص‌های حکمرانی خوب، دموکراسی و جامعه مدنی توسعه‌یافته است. مطالعات مختلف نشان می‌دهند که دموکراسی و حکمرانی خوب به افزایش کیفیت زندگی و تقلیل شکاف بین مردم و دولت در مورد مسائل محیط‌زیستی و کاهش آلاینده‌ها منجر شده است (فری و الرومی، ۱۹۹۹: ۷۳ و برلیانز و فرناندز، ۲۰۱۱: ۶). عوامل مؤثر بر محیط‌زیست‌گرایی را با توجه به مباحث نظری پیش‌گفته می‌توان در فرضیات مختلفی صورت‌بندی کرد:

مدل نظری تبیین محیط‌زیست‌گرایی



در چهارچوب عوامل اقتصادی، این فرضیه که «محیط‌زیست‌گرایی به‌طور مستقیم از رفاه و درآمد بالا و به‌طور معکوس از فقر تأثیر می‌پذیرد» قابل آزمون تجربی است. دیدگاه‌های اجتماعی تبیین‌کننده محیط‌زیست‌گرایی مبنای نظری فرضیات دوگانه «اثر سرمایه اجتماعی» و «اثر جنسیت» است. بر اساس فرضیه نخست، «سرمایه اجتماعی بالاتر با نگرش مسئولانه‌تر به محیط‌زیست همراه است» و «اثر جنسیت» خاطرنشان می‌سازد که «زنان نسبت به مردان گرایش هم‌دلانه‌تری با محیط‌زیست دارند». با استناد به نظریه‌های فرهنگی، فرضیات سه‌گانه نقش «دین»، «میزان دین‌داری» و سطح آموزش یا «تحصیلات» قابل بررسی است. نهایتاً تبیین سیاسی محیط‌زیست‌گرایی را با شاخص‌های «حکمرانی خوب» و «شاخص دموکراسی» می‌توان آزمون کرد.<sup>۱</sup> اگرچه فرضیات اصلی محیط‌زیست‌گرایی با ارجاع به تحلیل‌های نظری-مفهومی جامعه‌شناختی صورت‌بندی شده است؛ باوجود این تأثیر متغیرهای دیگری مانند سن (وانلیور و دانلپ، ۱۹۸۰)، قومیت (جانسون<sup>۲</sup> و دیگران، ۲۰۰۴) و سکونت در شهر یا روستا (وانلیور و دانلپ، ۱۹۸۰) مورد سنجش قرار گرفته است.

#### ۴. روش تحقیق

از نظر روش‌شناختی این مطالعه به شیوه اسنادی و با تحلیل ثانویه داده‌های «پیمایش ارزش‌های جهانی» انجام شده است. موج ۷ پیمایش ارزش‌های جهانی در فاصله سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ با نمونه‌ای ۸۷۸۲۲ نفری در ۵۹ کشور جهان<sup>۳</sup> از جمله در ایران اجرا شده است. داده‌های ایران از نمونه ۱۴۹۹ نفری در تمامی استان‌های کشور در سال ۲۰۲۰ م. (۱۳۹۹ ش) گردآوری شده است (پیمایش ارزش‌های جهانی، ۲۰۲۰). مفاهیم و متغیرها: متغیر «محیط‌زیست‌گرایی» به‌عنوان متغیر اصلی نوشتار حاضر در موج ۷ با یک گویه کلیدی که بیانگر رویکرد زیست‌محور و منطبق با مفروضات «پارادایم نوین محیط‌زیستی» است سنجش شده است. در این گویه «اولویت حفاظت از محیط‌زیست حتی اگر موجب کاهش رشد اقتصادی و کم‌شدن فرصت‌های شغلی شود» در برابر «اولویت رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی حتی اگر تا حدی محیط‌زیست آسیب ببیند» مورد پرسش است؛ بنابراین موافقت با گزینه نخست به منزله «محیط‌زیست‌گرایی» و موافقت با گویه دوم به معنای طرفداری از «رشدگرایی» است. بیشتر متغیرهای مستقل تحقیق متغیرهای آشکاری هستند که با یک گویه سنجش می‌شوند. در مواردی متغیرهای پنهان و شاخص‌هایی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند که از ترکیب گویه‌های مختلف ساخته شده‌اند.<sup>۴</sup>

۱. داده‌های مقاله مستخرج از پیمایش ارزش‌های جهانی است که در سطح خرد اندازه‌گیری شده است؛ بنابراین امکان آزمون فرضیات مستخرج از تبیین‌های سیاسی که مستلزم مقایسه بین کشوری در سطح کلان است در پژوهش حاضر وجود ندارد.

2. Johnson

۳. لیست کشورها در جدول شماره ۳ آمده است.

۴. شاخص‌های «ارزش‌های سکولار» و «ارزش‌های رهایی‌بخش» و مؤلفه‌های این دو شاخص توسط محققان WVS ساخته شده و در فایل داده‌های پیمایش موجود است؛ اما دیگر متغیرهای ترکیبی شامل شاخص «فقر معیشتی»، «مدارای اجتماعی» و «مشارکت اجتماعی» توسط نویسندگان مقاله با روش مرسوم همبستگی بین‌گویه‌ای بر مبنای ضریب آلفای کرونباخ (بالاتر از ۰/۸۰) ساخته شده است.

این شاخص‌ها و معرف‌های آن در موج ۷ پیمایش ارزش‌های جهانی (WVS, 2020) به شرح جدول شماره ۱ است:

جدول شماره ۱: شاخص‌ها و معرف‌های آن و کد متغیر در موج ۷ پیمایش ارزش‌های جهانی

متغیرها و شاخص‌ها	معرف
متغیرهای آشکار	گرایش محیط‌زیستی (Q111) - جنسیت (Q260) - تأهل (Q273) - محل سکونت (Q276) - سن (Q262) - تحصیلات (Q275) - قومیت (Q290) - دین (Q289) - اشتغال (Q279) - پس‌انداز (Q286) - سطح درآمد (Q288) - رضایت اقتصادی (Q50) - رضایت از زندگی (Q49) - اعتماد اجتماعی (Q57)
شاخص فقر معیشتی	متغیرهای ۵۱-۵۳-۵۴-۵۵ (نداشتن غذای کافی - عدم دسترسی به دارو و ... - نداشتن درآمد - نداشتن سرپناه)
شاخص مدارای اجتماعی	متغیرهای Q18 و Q26 (تمایل به همسایگی با گروه‌های مختلف از جمله سایر نژادها، ادیان و اقوام، مهاجران، معتادان، بیماران و ...)
شاخص مشارکت اجتماعی	متغیرهای Q94 و Q105 (عضویت فعال در سازمان‌ها و ورزشی، مذهبی، احزاب سیاسی، انجمن‌های خیریه، اصناف و ...)
شاخص ارزش‌های سکولار	معکوس متغیرهای Q27 و Q254 و Q45 (ارح‌گذاری صاحبان قدرت - افتخار به ملیت - کسب افتخار برای والدین)
- نافی اقتدار یا نافرمانی	معکوس متغیرهای Q173 و Q172 و Q171 و Q6 (اهمیت دین - دین‌دار بودن - رفتار دینی)
- ناباوری دینی	معکوس متغیرهای Q181 و Q180 و Q178 (نپرداختن کرایه حمل و نقل عمومی - تقلب مالیاتی - رشوه گرفتن)
- نسبت‌باوری	معکوس متغیرهای Q70 و Q69 و Q65 (اعتماد به نیروهای مسلح - اعتماد به نیروی انتظامی - اعتماد به نظام قضایی)
- بدبینی نهادی	ارزش‌های رهایی‌بخش
- استقلال	متغیرهای Q11 و Q8 (مستقل بودن - قدرت تخیل - معکوس حرف‌شنوی و فرمان‌برداری)
- برابری جنسیتی	متغیرهای Q33 و Q30 و Q29 (برابری جنسیتی در سیاست - تحصیلات - کار)
- انتخاب‌گری	متغیرهای Q185 و Q184 و Q182 (پذیرش ازدواج غیر سنتی - پذیرش سقط‌جنین - پذیرش طلاق)
- ابراز وجود	متغیرهای Q155/4 و Q154/2 و Q152/3 و Q45 (ایفای نقش در امور جامعه - ایفای نقش در تصمیمات دولت - حمایت از آزادی بیان)

## ۵. یافته‌های تحقیق

### ۵-۱. توصیف محیط‌زیست‌گرایی و روند آن در ایران و مقایسه با سایر کشورهای جهان

اهمیت و اولویت «حفاظت از محیط‌زیست» نسبت به «رشد اقتصادی و ایجاد شغل» معرف‌های متغیر نگرش محیط‌زیستی است. «محیط‌زیست‌گرایی» یا «رشد‌گرایی» ایرانیان و روند آن در ۲۰ سال اخیر و همچنین مقایسه آن با میانگین جهانی به شرح جدول زیر است:

جدول شماره ۲: محیط‌زیست‌گرایی ایرانیان و روند آن در ۲۰ سال اخیر

معرف‌ها	ایران (۲۰۰۰)	ایران (۲۰۰۷)	ایران (۲۰۲۰)	میانگین جهانی (۲۰۲۰)
حفاظت از محیط‌زیست	۴۵	۴۸	۶۵	۵۷
رشد اقتصادی و ایجاد شغل	۳۵	۵۱	۳۰	۴۰
سایر	۲۰	۱	۵	۳
N	۲۰۵۱	۲۶۲۳	۱۴۸۶	۸۳۸۹۵

نتایج به‌دست‌آمده بیانگر این است که نگرش حمایتی از محیط‌زیست از ۴۵ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۴۸ درصد در سال ۲۰۰۷ و نهایتاً ۶۵ درصد در سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است. به عبارتی روند گرایش محیط‌زیستی در ایران به تدریج در هر ۳ موج (۴ و ۵ و ۷) افزایش یافته و در ۲۰ سال اخیر حدود ۲۰ درصد افزایش داشته است.

نتایج همچنین نشان می‌دهد که درصد محیط‌زیست‌گرایی در ایران (سال ۲۰۲۰) در مقایسه با میانگین جهانی بیشتر است. در حالی که ۶۵ درصد ایرانیان اولویت را به حفاظت از محیط‌زیست می‌دهند، این آمار در مقیاس جهانی کمتر و تقریباً ۵۷ درصد است. بالعکس در گویه «اهمیت رشد اقتصادی» ایرانیان ۱۰ درصد کمتر از میانگین جهانی بر اولویت رشد اقتصادی تأکید کرده‌اند.

جدول شماره ۳ تحلیل خوشه‌ای محیط‌زیست‌گرایی ایرانیان در مقایسه با سایر کشورهای جهان را نشان می‌دهد. بر اساس نمره محیط‌زیست‌گرایی، ۵۹ کشور مورد مطالعه در WVS به ۳ خوشه تفکیک شده‌اند: خوشه اول شامل کشورهایی است که اهمیت بیشتری به محیط‌زیست و حفاظت از آن می‌دهند، در مقابل کشورهای خوشه سوم رشد اقتصادی را در اولویت قرار می‌دهند. کشورهایی که در خوشه دوم گروه‌بندی شده‌اند «حد وسط» این دو خوشه هستند و به نسبت یکسان هر دو گزینه را مهم می‌دانند. در این گروه‌بندی کشور «ایران» در خوشه اول یعنی کشورهای که نمره بالاتری در شاخص محیط‌زیست‌گرایی دارند قرار دارد و رتبه ۱۱ را در بین ۵۹ کشور مورد مطالعه به دست آورده است.

جدول شماره ۳: محیط زیست گرایی ایرانیان در مقایسه با سایر کشورهای جهان: تحلیل خوشه‌ای

کشورهای مورد مطالعه	خوشه‌های سه‌گانه (میانگین در دامنه ۰ - ۱)
۱. آندورا ۲. اندونزی ۳. بولیوی ۴. ویتنام ۵. هلند ۶. چین ۷. پورتوریکو ۸. نیوزلند ۹. کلمبیا ۱۰. آلمان ۱۱. ایران ۱۲. گواتمالا ۱۳. فیلیپین	خوشه ۱: اهمیت حفاظت محیط زیستی (۰/۶۸ تا ۰/۸۲)
۱۴. استرالیا ۱۵. قرقیزستان ۱۶. برزیل ۱۷. نیکاراگوئه ۱۸. تایوان ۱۹. مالزی ۲۰. ماکائو ۲۱. کانادا ۲۲. سنگاپور ۲۳. پرو ۲۴. ژاپن ۲۵. ایالات متحده ۲۶. یونان ۲۷. شیلی ۲۸. ترکیه ۲۹. اکوادور ۳۰. مغولستان ۳۱. کره جنوبی ۳۲. هنگ‌کنگ ۳۳. مکزیک ۳۴. مراکش ۳۵. قبرس ۳۶. زیمبابوه ۳۷. تایلند	خوشه ۲: بینابین (۰/۵۳ تا ۰/۶۷)
۳۸. میانمار ۳۹. روسیه ۴۰. اکراین ۴۱. ارمنستان ۴۲. اردن ۴۳. قزاقستان ۴۴. لیبی ۴۵. صربستان ۴۶. آرژانتین ۴۷. بنگلادش ۴۸. کنیا ۴۹. اتیوپی ۵۰. عراق ۵۱. تاجیکستان ۵۲. مالدیو ۵۳. پاکستان ۵۴. نیجریه ۵۵. رومانی ۵۶. ونزوئلا ۵۷. لبنان ۵۸. مصر ۵۹. تونس	خوشه ۳: اهمیت رشد اقتصادی (۰/۳۷ تا ۰/۵۲)

۵-۲. تحلیل رابطه محیط زیست گرایی و عوامل مؤثر بر آن در ایران و جهان

به منظور تبیین محیط زیست گرایی و بررسی عوامل مؤثر بر آن، رابطه این متغیر با متغیرهای چندگانه به شیوه تحلیل دو متغیره (ضریب همبستگی و مقایسه میانگین‌ها) و تحلیل چند متغیره (رگرسیون لجستیک) بررسی شده است:

۱. نمره صفر به معنای طرفداری از «رشدگرایی» و نمره یک به منزله حمایت از «محیط زیست گرایی» است.

جدول شماره ۴: عوامل تأثیرگذار بر محیط‌زیست‌گرایی در ایران و جهان: متغیرهای زمینه‌ای

جهان	ایران	متغیرهای زمینه‌ای
۰/۰۱۵**	۰/۰۱۳	جنسیت (۱. مرد ۰.۲ زن)*** <sup>(۱)</sup>
۰/۰۲۰**	۰/۰۰۹	تأهل (۱. متأهل ۰.۲ مجرد)***
- ۰/۰۱۵**	۰/۰۴۵	محل سکونت (۱. شهر ۰.۲ روستا)***
- ۰/۰۲۱**	- ۰/۰۶۲*	سن****
۰/۰۸۹**	۰/۱۵۹**	تحصیلات****
-	F= ۰/۸۹۴ Sig= ۰/۴۸۴	قومیت (فارس، کرد، آذری، گیلکی، لر-بختیاری، عرب)
۰/۰۵۰**	-	مسیحی
۰/۰۰۷	-	یهودی
- ۰/۰۵۲**	-	اسلام

در تحلیل رابطه متغیرهای زمینه‌ای، یافته‌ها بیانگر این است که در ایران گرایش محیط‌زیستی تنها از متغیرهای «سن» (رابطه معکوس) و «تحصیلات» (رابطه مستقیم) تأثیر می‌پذیرد. به این معنا که گروه‌های سنی پایین‌تر و افراد با تحصیلات بالاتر نگرش حمایت‌گرایانه‌تری نسبت به افراد مسن‌تر و با تحصیلات پایین‌تر دارند؛ اما در سطح جهانی همه متغیرهای زمینه‌ای رابطه معنی‌دار با گرایش محیط‌زیستی دارند. متغیر «سن» و «تحصیلات» در مقیاس جهانی تأثیری مشابه با وضعیت ایران دارند؛ اما در سایر متغیرها نتایج این‌گونه است که زنان بیش از مردان، افراد مجرد بیش از افراد متأهل و شهرنشینان بیش از روستائیان به «حفاظت از محیط‌زیست» اهمیت می‌دهند.

۱. \* در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است.

\*\* در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است.

\*\*\* از آزمون T برای مقایسه میانگین دو گروه استفاده شده است.

\*\*\*\* از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه استفاده شده است.

۲. متغیر دین از طریق ریکود به سه متغیر زیر تبدیل شده و از طریق آزمون T مورد سنجش قرار گرفته است:

- (۱) مسیحیت (۲) سایر ادیان
- (۱) اسلام (۲) سایر ادیان
- (۱) یهودیت (۲) سایر ادیان

همچنین مقایسه میانگین محیط‌زیست‌گرایی بین ادیان سه‌گانه نشان می‌دهد در حالی که «مسیحیان» اولویت و اهمیت بیشتری به «حفاظت از محیط‌زیست» می‌دهند، مسلمانان بالعکس «رشد اقتصادی» را مهم‌تر می‌دانند؛ اما نگرش محیط‌زیستی «یهودیان» تفاوت معنی‌داری نشان نمی‌دهد و این یعنی اهمیت «محیط‌زیست» و «رشد اقتصادی» برای آنان به یک اندازه است و تقدم و تأخری بین آن‌ها قائل نیستند.

جدول شماره ۵: عوامل تأثیرگذار بر محیط‌زیست‌گرایی در ایران و جهان: متغیرهای اقتصادی<sup>۱</sup>

متغیرهای اقتصادی	ایران	جهان
اشتغال (۱. بیکار ۲. شاغل)	۰/۰۵۴*	۰/۰۱۶**
پس‌انداز خانواده	۰/۱۵۲**	۰/۰۳۷**
سطح درآمد	۰/۰۸۸**	۰/۰۰۱
رضایت اقتصادی	۰/۰۸۹**	۰/۰۵۶**
شاخص فقر معیشتی	-۰/۰۸۸**	-۰/۰۸۸**

نتایج رابطه همبستگی بین مجموعه متغیرهای اقتصادی با شاخص محیط‌زیست‌گرایی در ایران (جز در متغیر فقر معیشتی) معنی‌دار و مثبت است. با افزایش و بهبود وضعیت اقتصادی در متغیرهایی از قبیل «اشتغال»، «پس‌انداز خانواده»، «سطح درآمد» و «رضایت از وضع اقتصادی»، نمره محیط‌زیست‌گرایی افزایش و بالعکس با افزایش «فقر معیشتی» کاهش می‌یابد. همین نتایج (جز در متغیر سطح درآمد که رابطه معنی‌دار نشان نمی‌دهد) در سطح جهانی نیز دیده می‌شود.

جدول ۶: عوامل تأثیرگذار بر محیط‌زیست‌گرایی در ایران و جهان: متغیرهای اجتماعی

متغیرهای اجتماعی	ایران	جهان
رضایت از زندگی	۰/۰۳۱	۰/۰۶۵**
شاخص مدارای اجتماعی	-	۰/۰۶۵**
اعتماد اجتماعی	۰/۰۴۰	۰/۰۶۶**
شاخص مشارکت اجتماعی	۰/۰۷۱**	۰/۰۲۸**

بررسی رابطه متغیرهای اجتماعی و گرایش محیط‌زیستی بیانگر نتایج متفاوتی در ایران و جهان است. از بین متغیرهای مورد بررسی در پیمایش WVS در ایران تنها رابطه متغیر «مشارکت اجتماعی» معنی‌دار است. این در حالی است که در سطح جهانی همه متغیرها با محیط‌زیست‌گرایی رابطه معنی‌دار دارند. این یافته نشان می‌دهد که با افزایش «رضایت از زندگی»، «مدارای اجتماعی»، «اعتماد اجتماعی» و «مشارکت اجتماعی» گرایش محیط‌زیستی نیز بهبود می‌یابد.

۱. رابطه همبستگی همه متغیرها در این جدول و جداول بعدی از طریق ضریب پیرسون بررسی شده است.

جدول شماره ۷: عوامل تأثیرگذار بر محیط‌زیست‌گرایی در ایران و جهان: متغیرهای فرهنگی

جهان	ایران	متغیرهای فرهنگی
۰/۰۱۶**	-۰/۰۲۱	شاخص ارزش‌های سکولار
۰/۰۴۰**	-۰/۰۱۹	۱. نفی اقتدار یا نافرمانی
۰/۰۶۵**	۰/۰۵۴*	۲. ناباوری دینی
-۰/۰۰۶	-۰/۰۰۵	۳. نسبیّت‌باوری
-۰/۰۰۲	۰/۰۰۶	۴. بدبینی نهادی
۰/۱۴۶**	۰/۰۸۶**	شاخص ارزش‌های رهایی‌بخش
۰/۰۶۲**	۰/۰۴۵	۱. استقلال
۰/۱۲۴**	۰/۰۶۰*	۲. برابری جنسیتی
۰/۰۹۵**	۰/۰۲۹	۳. انتخاب‌گری
۰/۰۹۷**	۰/۰۶۲*	۴. ابراز وجود

یافته‌ها بیانگر این است که شاخص «ارزش‌های سکولار» اگرچه در ایران رابطه معنی‌داری با محیط‌زیست‌گرایی ندارد، اما در برخی معرف‌های این شاخص تفاوت‌هایی دیده می‌شود. به‌طور خاص در معرف «ناباوری دینی» این رابطه معنی‌دار و مثبت است؛ اما در سطح جهانی شاخص «ارزش‌های سکولار» و همه معرف‌های آن (جز مقوله «بدبینی نهادی» و «نسبیّت‌باوری») با محیط‌زیست‌گرایی رابطه معنی‌دار دارد. به عبارتی تمایلات محیط‌زیستی در بین مخالفان اقتدارگرایی و ناباوران دینی بیش از اقتدارگرایان و دین‌باوران است.

در بررسی رابطه شاخص «ارزش‌های رهایی‌بخش» و معرف‌های آن با گرایش محیط‌زیستی در ایران و جهان مشابهت زیادی دیده می‌شود. شاخص کلی «ارزش‌های رهایی‌بخش» و معرف‌های آن از قبیل «استقلال»، «برابری جنسیتی»، «انتخاب‌گری» و «ابراز وجود» رابطه معنی‌داری با محیط‌زیست‌گرایی در سطح جهانی دارد. در ایران نیز شاخص کلی رابطه معنی‌داری نشان می‌دهد، باوجود این در مقولات «انتخاب‌گری» و «استقلال» این تفاوت معنی‌دار نیست.

### ۳-۵. تحلیل رگرسیون (لوجستیک) چندگانه

به‌منظور ارزیابی تأثیرات هم‌زمان متغیرهای مستقل بر محیط‌زیست‌گرایی از رگرسیون لوجستیک استفاده شده است.

جدول ۸ شماره: تلخیص مدل رگرسیونی عوامل اثرگذار بر محیط‌زیست‌گرایی در ایران و جهان  
(مدل رگرسیون: Forward LR)

آزمون Hosmer and Lemeshow	ضریب تعیین Nagelkerke	ضریب تعیین Cox & Snell	Omnibus Tests		صحت طبقه‌بندی	تعداد نمونه	سطح بررسی	
			کای اسکوار	Sig.				
۰/۰۰۰	۲۴۷/۸۷۳	۰/۲۰۱	۰/۱۸	۰/۰۰۰	۲۳۰۶/۷۰۴	٪۵۹/۲	۶۴۹۳۸	جهان
۰/۰۰۰	۴/۰۹۴	۰/۲۴	۰/۲۲	۰/۰۰۰	۶۴/۸۸۱	٪۶۸/۲	۱۳۲۱	ایران

ارزیابی کل مدل در هر دو سطح (ایران و جهان) بر اساس آزمون آمیناس و همچنین آزمون هاسمر و لیمشو، برازش قابل قبول مدل رگرسیونی را نشان می‌دهد.

ضریب تعیین پزودو (شامل ضریب کاکس و نل و ضریب نایجل کرک) بیانگر واریانس تبیین شده محیط‌زیست‌گرایی است. واریانس تبیین شده در نمونه ایران تقریباً ۲۴ درصد و در سطح جهانی تقریباً ۲۰ درصد است. همچنین بر اساس درصد درست‌نمایی (صحت طبقه‌بندی) می‌توان استدلال کرد که این مدل در ایران تقریباً ۷۰ درصد و در سطح جهانی تقریباً ۶۰ درصد افراد را به‌درستی از همدیگر تفکیک می‌کند.

جدول شماره ۹: متغیرهای پیش‌بینی‌کننده و ضرایب بتا (ایران و جهان)

جامعه مورد مطالعه	متغیرها و ورودی مدل	ضریب بتا (B)	Wald	Sig.	نسبت شانس Exp(B)
جهان	جنسیت	-۰/۰۷۶	۲۱/۵۵۰	۰/۰۰۰	۰/۹۲۷
	تحصیلات	۰/۰۴۱	۸۰/۲۳۹	۰/۰۰۰	۱/۰۴۱
	رضایت از زندگی	۰/۰۴۵	۱۴۲/۶۵۸	۰/۰۰۰	۱/۰۴۶
	فقر معیشتی	-۰/۰۵۷	۴۰/۹۰۴	۰/۰۰۰	۰/۹۴۲
	اعتماد اجتماعی	۰/۱۸۳	۸۳/۲۱۴	۰/۰۰۰	۱/۲۰۱
	مشارکت اجتماعی	۰/۰۴۲	۲۵/۰۱۴	۰/۰۰۰	۱/۰۴۳
	ارزش‌های رهایی‌بخش	۱/۳۳۳	۴۵۲/۵۴۹	۰/۰۰۰	۳/۷۹۳
ایران	مقدار ثابت	-۰/۴۱۶	۷۵/۸۴۴	۰/۰۰۰	۰/۶۶۰
	تحصیلات	۰/۱۸۶	۳۲/۲۷۰	۰/۰۰۰	۱/۲۰۴
	پس‌انداز خانواده	۰/۳۲۲	۲۳/۴۵۶	۰/۰۰۰	۱/۳۷۹
	مقدار ثابت	-۰/۷۶۷	۱۴/۱۱۶	۰/۰۰۰	۰/۴۶۴

ضرایب تأثیر هم‌زمان و نسبت شانس متغیرهای مستقل نشان می‌دهد که در سطح جهانی هفت متغیر اثر معنی‌دار بر محیط‌زیست‌گرایی داشته و در مدل باقی مانده‌اند. اثرات متغیرهای جنسیت<sup>۱</sup> و فقر معیشتی منفی و اثرات متغیرهای تحصیلات، رضایت از زندگی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، فرامادی‌گرایی و ارزش‌های رهایی‌بخش مثبت است. از بین این متغیرها شاخص ارزش‌های رهایی‌بخش بیشترین اثر (با نسبت شانس ۳/۷۹۳ برابر) و تحصیلات کمترین اثر را (با نسبت شانس ۱/۰۴۱ برابر) بر محیط‌زیست‌گرایی دارد.

متفاوت با داده‌های جهانی، مدل رگرسیونی ایران فقط اثرات معنی‌دار هم‌زمان دو متغیر پس‌انداز خانواده و تحصیلات را نشان می‌دهد که هر دو متغیر تأثیر مثبت و مستقیم بر محیط‌زیست‌گرایی دارند. نسبت شانس‌ها حاکی از آن است که با یک واحد افزایش در پس‌انداز خانواده و تحصیلات به ترتیب محیط‌زیست‌گرایی ۱/۳۸ و ۱/۲ برابر افزایش می‌یابد.

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

هدف مقاله حاضر بررسی محیط‌زیست‌گرایی در ایران و جهان و تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر آن و با استناد به داده‌های اخیر موج ۷ پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها در ایران و ۵۸ کشور جهان اجرا بود. یافته‌ها بیانگر این است که گرایش محیط‌زیستی ایرانیان در طول دو دهه اخیر به تدریج رشد داشته و در سال ۲۰۲۰ در بین ۵۹ کشور جهان رتبه ۱۱ را به خود اختصاص داده‌اند. ایران در خوشه‌بندی محیط‌زیست‌گرایی در زمره کشورهای است که در آن «محیط‌زیست‌گرایان» نسبت بالاتری به «رشدگرایان» دارند. برخلاف داده‌های عملکرد محیط‌زیستی (EPI) که شاخصی برای ارزیابی عملکرد دولت‌هاست و روند آن در طول سال‌های اخیر کاهش داشته، به طوری که امتیاز EPI ایران از ۷۰ در سال ۲۰۰۶ به ۴۸ در ۲۰۲۰ تقلیل یافته است (استی و دیگران، ۲۰۰۶ و وندینگ و دیگران، ۲۰۲۰)؛ اما گرایش محیط‌زیستی ایرانیان در دو دهه اخیر ارتقا یافته و از ۴۵ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۶۵ درصد در سال ۲۰۲۰ رسیده است. بدین ترتیب الگوی اجتماعی غالب در ایران حامی باورهای محیط‌زیستی است؛ یعنی همان نتایجی که ملکی و عبدالهی (۱۳۹۲) ۱۰ سال قبل در مطالعه خود بدان رسیدند. از این رو می‌توان گفت بخشی از چالش‌های محیط‌زیستی ایران بیش از آن‌که به رفتار شهروندان مرتبط باشد، نتیجه عملکرد دولت‌هاست؛ اگرچه در تفسیر این نتایج به دلیل شکاف محتمل بین نگرش و رفتار محیط‌زیستی، باید احتیاط شود.

در تبیین محیط‌زیست‌گرایی رابطه مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل به تفکیک و به شیوه مقایسه‌ای در ایران و جهان مورد سنجش قرار گرفته است. رابطه متغیرهای زمینه‌ای و محیط‌زیست‌گرایی نشان می‌دهد که در ایران (و همچنین در مقیاس جهانی) گرایش محیط‌زیستی از متغیرهای «سن» به‌طور معکوس و «تحصیلات» به‌طور مستقیم تأثیر می‌پذیرد. این نتایج دقیقاً مشابه با یافته‌های وان‌لیر و دانلپ (۱۹۸۰) است که اثر این دو متغیر بر گرایش محیط‌زیستی را بررسی کرده‌اند. شهروندان با تحصیلات بالاتر آگاهی بیشتری

۱. جهت منفی متغیر جنسیت با توجه به نحوه کدگذاری طبقات این متغیر، به معنای گرایش محیط‌زیستی بالاتر زنان به مردان است.

نسبت به محیط‌زیست و مخاطرات آن دارند. اثر متغیر سن را می‌توان با فرضیه اجتماعی شدن اینگلههارت تفسیر کرد که شرایط اقتصادی و اجتماعی، نسل‌های مسن‌تر را به‌سوی ارزش‌های مادی‌گرا سوق می‌دهد؛ اما در مورد آزمون «اثر جنسیت» نتایج متفاوت است: درحالی‌که داده‌های جهانی (در پژوهش حاضر) داعیه‌های اکوفمینیسم در مورد نگرش حمایتی زنان از محیط‌زیست را تأیید می‌کنند، در ایران چنین رابطه‌ای دیده نمی‌شود. به این معنا که در اینجا متغیرهای غیرجنسیتی بیشتر ایفای نقش کرده و اثر جنسیت را آن‌گونه که نظریه اکوفمینیسم مدعی است خنثی می‌کند.

از دیگر یافته‌های مهم پژوهش، گرایش‌های محیط‌زیستی متفاوت ادیان غالب جهانی است؛ با این توصیف که مسیحیان بیشتر از مسلمانان به حفاظت از محیط‌زیست و تقدم آن بر رشد اقتصادی تأکید دارند. این نتیجه عکس دیدگاه‌های نظری تبیین‌کننده این رابطه و به معنای نفی مفروضات آن‌هاست (ازجمله جوادی‌آملی، ۱۳۹۰ و محق‌داماد، ۱۳۹۳؛ بنتال، ۲۰۰۳ و وایت، ۱۹۶۷). در مقابل یهودیان تقدم و تأخری بین این دو قائل نیستند و به همان اندازه که در بین آن‌ها حامیان محیط‌زیست وجود دارد، مدافعان رشد اقتصادی نیز دیده می‌شود. اگرچه نمی‌توان منکر اثر باورهای دینی در نگرش‌های محیط‌زیستی شد، اما مغایرت داده‌ها با نظریه‌ها ناشی از این حقیقت است که متغیرهای اقتصادی و اجتماعی در جهت‌گیری محیط‌زیستی ادیان مهم‌تر از گزاره‌ها و احکام درون‌دینی است.

در مورد اثر متغیرهای اقتصادی و با ارجاع به نتایج می‌توان استدلال کرد که محیط‌زیست‌گرایی هم در ایران و هم در جهان رابطه مستقیمی با وضعیت اقتصادی دارد و گروه‌های برخوردار از رفاه اقتصادی، «حفاظت از محیط‌زیست» را مقدم بر «رشد اقتصادی» می‌دانند. اگرچه به دلیل ماهیت داده‌های موجود امکان آزمون نظریه «رشد اقتصادی» و وجه مقابل آن یعنی نظریه «ضد رشد» وجود ندارد؛ اما نتایج تحقیق این فرضیه که «محیط‌زیست‌گرایی به‌طور مستقیم از رفاه و درآمد بالا و به‌طور معکوس از فقر تأثیر می‌پذیرد» (اینگلههارت، ۱۳۷۳؛ فورسیچ، ۱۹۹۸ و چمبرز، ۱۹۸۷) را تأیید می‌کند. به تعبیر اینگلههارت «اولویت‌های فرد بازتاب محیط اقتصادی-اجتماعی اوست». حتی اگر پیوند مستقیم بین رفاه و ارزش‌های فرامادی محیط‌زیست‌گرایی را نپذیریم، بدون تردید فقدان رفاه یا فقر نمی‌تواند رابطه‌ای مستقیم با محیط‌زیست‌گرایی داشته باشد.

در مورد اثرات متغیرهای اجتماعی مانند مشارکت، اعتماد و مدارای اجتماعی نتایج حاکی از این است که مشارکت اجتماعی هم در سطح ملی (ایران) و هم در سطح جهانی اثر مستقیم بر محیط‌زیست‌گرایی دارد و نتایج به‌دست آمده منطبق با فرضیات نظریه سرمایه اجتماعی و رابطه آن با محیط‌زیست است (پاتنام، ۱۹۹۶ و برلیانز و فرناندز، ۲۰۱۱). در مورد متغیرهای اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی اگرچه این دو در سطح جهانی بر گرایش محیط‌زیستی اثر مستقیم دارند، اما در ایران فاقد تأثیر هستند. این نتیجه متفاوت ممکن است متأثر از روش‌شناسی سنجش این متغیر در جوامع مختلف باشد.

نتایج تحلیل همبستگی در مورد رابطه متغیرهای ارزشی و فرهنگی بدین مضمون است که اقتدارگرایان (در سطح جهان) و دین‌باوران (در ایران و در جهان) بیشتر تمایلات رشدگرایانه دارند تا گرایش محیط‌زیستی. نتایج در مورد رابطه دین‌باوری و محیط‌زیست‌گرایی در تقابل با داعیه‌های نظری (نصر، ۱۳۸۵) است که

رفتارها و احساسات هم‌گرایانه محیط‌زیستی را با اخلاق دینی منطبق می‌دانند. موضع اقتدارگرایان با این تفسیر که آنان بیشتر مطالبه‌گر منافع فردی و گروهی هستند تا مدافع ارزش‌های مدنی، قابل توجیه است؛ اما گرایش ضد محیط‌زیستی دین‌باوران همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد به نظر متأثر از عوامل غیردینی باشد. داده‌ها همچنین همگرایی بین ارزش‌های محیط‌زیستی و ارزش‌های فرامادی را - که در نظریه اینگلههارت (۱۳۷۳) منعکس شده است - نشان می‌دهند؛ به این معنی که در سطح جهانی باورمندان به ارزش‌های رهایی‌بخش (از قبیل استقلال، برابری جنسیتی، آزادی انتخاب و ابراز وجود)، همدلی بیشتری نیز با ارزش‌های محیط‌زیستی دارند. با تفاوتی اندک چنین رابطه‌ای در ایران نیز قابل مشاهده است. این نتیجه بیانگر هم‌سویی زنجیروار مؤلفه‌های ارزش‌های فرامادی‌گرایانه است. گرایش محیطی زیستی یکی از مصادیق مهم شاخص کیفیت زندگی که برای فرامادی‌گرایانه اولویت دارد.

به‌طورکلی نتایج این پژوهش ضمن این‌که تصویری عام از کم و کیف محیط‌زیست‌گرایی ایرانیان و عوامل مؤثر بر آن را در مقیاس ملی بر اساس به‌روزترین داده‌ها ارائه داده و خلأ موجود در این زمینه را جبران می‌کند، محکی است برای ارزیابی تطبیقی و نشان دادن همگرایی و واگرایی محیط‌زیست‌گرایی در ایران با وضعیت جهانی؛ با این هدف که نقاط قوت تقویت شود و ضعف‌ها و آسیب‌ها مورد توجه و اصلاح قرار گیرد.

## منابع

- احمدیان، د. و حقیقتیان، م. (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی نقش عوامل فرهنگی بر رفتارهای زیست محیطی شهری مورد مطالعه (شهروندان شهر کرمانشاه). مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال ۶، شماره ۱۸: ۷۶-۵۱.
- اینگلههارت، ر. و آبرامسون، پ. ر. (۱۳۷۸). امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی. ترجمه شهناز شفیع‌خانی، نامه پژوهش، سال ۴، شماره ۱۴ و ۱۵: ۵۹-۱۵.
- اینگلههارت، ر. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه صنعتی پیشرفته. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر.
- بک، ا. (۱۳۸۸). جامعه در مخاطره جهانی. ترجمه محمدرضا مهدی‌زاده. تهران: کویر.
- بنی‌فاطمه، ح.؛ روستایی، ش.؛ علیزاده اقدم، م. و حسین‌نژاد، ف. (۱۳۹۲). بررسی نگرش محیط‌زیستی شهروندان شهر تبریز بر اساس پارادایم محیط‌زیستی نو. پژوهش‌های محیط‌زیست، سال ۴، شماره ۷: ۱۸۶-۱۷۳.
- بوردیو، پ. (۱۳۸۴). شکل‌های سرمایه. در تاج‌بخش. ک. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه. تهران: شیرازه.
- جنت‌رستمی، س.؛ خلقی، م. و محمدی، ک. (۱۳۹۱). مدیریت سطح آب زیرزمینی در شرایط بحرانی. همایش ملی جریان و آلودگی آب. بازیابی شده در ۱۰ خرداد ۱۴۰۱ <https://civilica.com/doc/148352>.
- جواد آملی، ع. (۱۳۹۰). اسلام و محیط‌زیست. قم: اسرا.
- راسخی، س.؛ شهرزادی، م.؛ شیدایی، ز.؛ جعفری، م. و دهقان، ز. (۱۳۹۵). ارتباط کارایی اقتصادی و کارایی زیست محیطی: شواهد جدید برای کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۲۴، شماره ۷۸: ۵۶-۳۱.
- زمانی، ز.، آزموده، م. و قاعدی، ح. (۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی رویکرد مبتنی بر بینش اسلامی با رویکرد معاصر در مواجهه با محیط‌زیست. پژوهش‌های معماری اسلامی، سال ۱، شماره ۴: ۱۱۵-۱۰۰.
- ساتن، ف. د. (۱۳۹۲). درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط‌زیست. ترجمه صادق صالحی. تهران: سمت.

- سبحانی نجف آبادی، ز. (۱۳۹۰). رابطه عملکرد زیست محیطی و رشد اقتصادی در استان های کشور. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- سلیمان پورعمران، م. و نوری، ع. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین مدیریت سبز با رفتار زیست محیطی مدیران و معاونین مدارس استان خراسان شمالی. محیط زیست و توسعه فوایحشی، سال ۴. شماره ۳۶: ۶۵-۲۵.
- شیری، ح. و اخرتی، س. (۱۳۹۷). بررسی رابطه آموزش و عملکرد محیط زیستی با تأکید بر وضعیت ایران. پژوهش های محیط زیست، سال ۹. شماره ۱۸: ۲۷۴-۲۶۳.
- شیری، ح. و اخرتی، س. (۱۳۹۸). شاخص های توسعه و رابطه آن با عملکرد محیط زیستی. پژوهش های محیط زیست، سال ۱۰. شماره ۲۰: ۷۶-۶۳.
- صالحی، ص. و امامقلی، ل. (الف ۱۳۹۱). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتارهای زیست محیطی (مطالعه موردی: استان کردستان). جامعه شناسی ایران، سال ۱۳. شماره ۴: ۱۱۵-۹۰.
- صالحی، ص. و امامقلی، ل. (ب ۱۳۹۱). سرمایه فرهنگی و نگرش و رفتارهای زیست محیطی (مطالعه موردی: استان کردستان). مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ۸. شماره ۲۸: ۹۱-۱۲۰.
- صالحی، ص. و کریمزاده، س. (۱۳۹۳). تحلیل رابطه بین ارزش های زیست محیطی و نگرش نوین زیست محیطی (مطالعه موردی: ارومیه). انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ۱۰. شماره ۳۷، صفحه ۱۷۰-۱۵۳.
- صالحی، ص. و لطفی، ب. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه شناختی تفاوت های جنسیتی نگرش های زیست محیطی در ایران (بر طبق داده های موج پنجم پیمایش ارزش های جهانی). جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، سال ۳. شماره ۱: ۱۳۷-۱۰۹.
- طالبان، م. و معمارزاده، ا. (۱۳۹۸). دین داری و محیط زیست گرایی: تأملی تجربی بر مناقشات نظری. پژوهش های جامعه شناسی معاصر، سال ۸. شماره ۱۵: ۱۲۱-۸۹.
- کاستلز، م. (۱۳۸۵). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت). ترجمه حسن چاوشیان. تهران: طرح نو.
- کاویانی راد، م. (۱۳۸۸). بوم شناسی سیاسی. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۲. شماره ۱۴: ۲۶-۷.
- کاویانی راد، م. (۱۳۸۹). تحلیل فضایی مخاطرات محیطی و بحران های بوم شناختی در ایران. مطالعات راهبردی، سال ۱۳. شماره ۴۸: ۵۷-۳۳.
- کلانتری، ع.؛ کیانپور، م. و مزیدی شرف آبادی و. (۱۳۹۴). واکاوی جامعه شناختی احساسات شهروندان تهرانی به محیط زیست. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، سال ۴. شماره ۲: ۳۲۲-۳۰۱.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۹). جامعه شناسی (با همکاری کارن بردسال). ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- محقق داماد، س. م. (۱۳۹۳). الهیات محیط زیست. تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- ملکی، ا. و عبدالهی، ع. (۱۳۹۲). تبیین جامعه شناختی محیط گرایی ایرانیان در دو سطح خرد و کلان. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، سال ۲. شماره ۲: ۲۰۲-۱۷۷.
- ملکی، ا. و علی پور، پ. (۱۳۹۳). سنجش عوامل مؤثر بر محیط زیست گرایی زنان ایرانی. زن در توسعه و سیاست، سال ۱۲. شماره ۴: ۵۹۲-۵۷۷.
- نصر، س. ح. (۱۳۸۵). دین و نظم طبیعت. ترجمه انشاء الله رحمتی. تهران: نی.
- والگر، ج. (۱۳۸۱). محیط زیست و منابع طبیعی. در لیتل، ر.؛ اسمیت، م. و وایت، ب. مسائل سیاست جهانی. ترجمه محمدکمال سروریان. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Antle, J. M., & Heidebrink, G. (1995). Environment and development: theory

- and international evidence. *Economic Development and Cultural Change*. 43 (3), 603–25.
- Benthall, J. (2003). The Greening of Islam? *Anthropology Today*. 19 (6), 10- 12.
- Blake, J. (2016). *Iran's environmental challenges; Environmental sustainability in Iran: the bumpy road ahead*. London Middle East Institute, University of London.
- Brilliants, A. B., & Fernandez, M. T. (2011). Good Governance, Social Quality and Active Citizenship: Gawad Kalinga in the Philippines. *International Journal of Social Quality*. 1 (2), 19-30.
- Chambers, R. (1987). *Sustainable livelihoods, environment and development: putting poor rural people first*. Brighton: Institute of development studies
- Daly, H. E. (1991). *Steady State Economy*. Washington D C, Island Press.
- Dunlap, R. E., & Van Liere, K. D. (1978). The New Environmental Paradigm: A Proposed Measuring Instrument and Preliminary Results. *Journal of Environmental Education*. 9 (4), 10-19.
- Dunlap, R. E., Van Liere, K. D., Mertig, A. G. & Emmet Jones, R. (2000). Measuring Endorsement of the New Ecological Paradigm: A Revised NEP Scale. *Journal of Social Issues*. 56 (3), 425–442.
- Dunlap, R. E., York R. (2008). The Globalization of Environmental Concern and The Limits of the Post materialist Values Explanation: Evidence from Four Multinational Surveys. *The Sociological Quarterly*. 49 (3), 529–563
- Esty, D. C., Levy, M. A., Srebotnjak, T., Sherbinin, A., Kim, C. H., and Anderson, B. (2006). *Pilot 2006 Environmental Performance Index*. New Haven: Yale Center for Environmental Law & Policy.
- Fishbein, M. A., & Ajzen, I. (1975). *Belief, attitude, intention, and behavior: An introduction to theory and research*. Reading, MA: Addison-Wesley.
- Forsyth, T., Leach, M., & Scoones, I. (1998). *Poverty and Environment: Priorities for Research and Policy: An Overview Study*. Prepared for the United Nations Development Programme and European Commission, Institute of Development Studies, Brighton, UK.
- Frey, R. S., & Al-Rumi, A. (1999). Political Democracy and the Physical Quality of Life: The Cross-National Evidences. *Social Indicators Research*. 47 (1), 73-97.
- Georgescu, R. N. (1971). *The Entropy Law and the Economic Process*. Cambridge, Harvard University Press.
- Grafton, R., Q. & Knowles, S. (2004). Social Capital and National Environmental Performance: A Cross-Sectional Analysis. *The Journal of Environment & Development*. 13 (4), 336-370
- Inglehart, R. (1995). Public Support for Environmental Protection: Objective Problems and Subjective Values in 43 Societies. *Political Science and Politics*. 28 (1), 57-72

- Johnson, C.Y., Bowker, J. M. and Cordell, H. K. (2004). Ethnic variation in environmental belief and behavior. An examination of the new ecological paradigm in social psychological context. *Environment and behavior*. 36 (2), 157-186.
- Lima, M. L., & Castro, P. (2005). Cultural theory meets the community: Worldviews and local issues. *Journal of Environmental Psychology*. 25 (1), 23-35.
- Mellor, M. (1992). *Breaking the Boundaries: Towards a Feminist Green Socialism*. London: Virago Press.
- Milfont, T. L., & Duckitt, J. (2010). The Environmental Attitudes Inventory: A Valid and Reliable Measure to Assess the Structure of Environmental Attitudes. *Journal of Environmental Psychology*. 30 (1), 80-94.
- Pretty, J., & Ward, H. (2001). Social Capital and the Environment. *World Development*. 29 (2), 209-227.
- Putnam, R. (1996). The strange disappearance of civic America. *Policy*. 12 (1), 3-15.
- Selden, T.M., & Song, D.S. (1994). Environmental Quality and Development: Is There a Kuznets Curve for Air Pollution Emissions? *Journal of Environmental Economics and Management*, 27 (2), 147-162.
- Van Liere, k. D., & Dunlap, R. E. (1980). Social bases of environmental concern: a review of hypotheses, explanations and empirical evidence. *Public Opinion Quarterly*. 44 (2), 181-97.
- Wendling, Z. A., Emerson, J. W., de Sherbinin, A., Esty, D. C., et al. (2020). 2020 Environmental Performance Index. New Haven, CT: Yale Center for Environmental Law & Policy
- White, L. (1967). The Historical Roots of Our Ecologic Crisis. *Science*. 155 (3767). 1203-1207
- Wvs. (2020, 10 January). *WVS-7 Master Questionnaire 2017-2020*. <https://www.worldvaluessurvey.org/WVSDocumentationWV7.jsp>.